



Mehrangiz Kaar

ATTORNEY AT LAW

مهرانگیز کار

وکیل پایه یک دادگستری

۲۰ تیرماه ۱۳۸۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جناب آقای مهدی کروبی
ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

با احترام، همان گونه که استحضار دارید شکایت اینجانب مهرانگیز کار در باره وضعیت نابسامان قضایی همسرم سیامک پورزند، ماه ها پیش تقدیم کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی شده است و تاکنون از کمیسیون مربوطه پاسخی دریافت نگردیده است. اخیراً خبرگزاری ایسنا رسماً اعلام کرده که حکم صادره علیه سیامک پورزند در دادگاه تجدید نظر استان تهران تأیید شده است. با استفاده از این فرصت قانونی توجه می دهد:

۱- روزنامه رسالت حدود یکماه پیش از ابلاغ حکم اعلام کرد حکم بدوی علیه سیامک پورزند عیناً در شعبه ۲۱ دادگاه تجدید نظر استان تهران تأیید شده است. در آن زمان اینجانب بلافاصله با آقای دبیردربایگی وکیل تسخیری سیامک پورزند تماس گرفتم و از ایشان درجه صحت خبر را جویا شدم. وکیل تسخیری اظهار داشت ضمن مراجعات مکرر به شعبه ۲۱ دادگاه تجدید نظر استان مطلع شده است حکم در مرحله ماشین نویسی است و هنوز کسی از مفاد آن خبر ندارد. اینک در ارتباط با خبرمنتشره در روزنامه رسالت به طرح یک پرسش اساسی می پردازم. مجلس شورای اسلامی از باب تعهدی که نسبت به ایفای تکالیف نظارتی دارد نمی تواند از پاسخگویی به آن امتناع کند.

سؤال:

میزان مداخله روزنامه رسالت و مجموعه سیاسی مرتبط با آن در «قوه قضائیه» و «حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی» جمهوری اسلامی (ناجا) تاچه حدود است؟ آیا این روزنامه و ابوابجمعی آن از جمله جریان های سیاسی شناخته شده اند که اراده فراقانونی، زورمدارانه و جناحی خود را بر قوه قضائیه تحمیل کرده اند؟ آیا اینکه گفته می شود آنها حتی دارای اختیاراتی بر پایه حکم حکومتی شده

۱

SP00198

اند تا در تصمیم‌گیری‌های قضایی، بازداشت‌ها، آدم‌ربایی‌ها، انتشار اقراریه کذب که تحت فشار اخذ می‌شود، انشاء رأی و انتشار آراء (پیش از طی مراحل قانونی و ابلاغ به متهم) نقش ایفا کنند، واقعیت دارد؟ در تکمیل پرسش طرح شده در بالا می‌افزاید:

روزنامه‌های همسو با رسالت مانند "جام" "کیهان" "شما" "یالثارات" و ...، از نخستین ماه‌های ناپدید شدن سیامک پورزند، درست‌هنگامی که در باره او سکوت حاکم بود، و مقامات قضایی کشور (بخصوص آقای علیزاده رئیس دادگستری تهران) به تقاضاهای مکرر دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی مبنی بر اعزام ناظر به محل بازداشت وی پاسخ منفی می‌دادند، اوراق بازجویی از سیامک پورزند را که توسط حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی "ناجا" زیر فشارهای طاقت فرسا و شکنجه اخذ شده بود، منتشر می‌کردند و آنها را علیه سایر فعالان فرهنگی و مطبوعاتی کشور مورد استناد قرار می‌دادند. در حال حاضر نیز بعضاً عکس‌هایی را انتشار می‌دهند که از آلبوم‌های خصوصی و خانوادگی انتخاب شده و ضمن هجوم به حریم شخصی خانواده آنها را ربوده‌اند.

با توجه به این آثار و نشانه‌ها و کل قضایایی که به این پرونده ابعاد شگفت‌انگیز سیاسی و جناحی داده است، به نظر می‌رسد حتی اگر رسیدگی به چگونگی خط و ربط این مطبوعات با مجموعه‌های سیاسی خاص و همسویی آنها با بخش‌هایی از قوه قضائیه از حوصله و توانایی مجلس شورای اسلامی خارج بوده و نتوانند آن گونه که مصالح کشور ایجاب می‌کند به آن بپردازند، لازم است در یک فرصت تاریخی دستکم نظرات خود را در باره این قبیل فعل و انفعالات که قوه قضائیه را تبدیل به "ابزار" سیاسی کرده است، برای اطلاع عموم انتشار دهند تا برهمگان، بخصوص ستمدیدگان و مظلومین از هر دسته و گروه بیش از پیش ثابت بشود که: قوه قضائیه ایران مستقل نیست. خوب است دستکم واقعیت منفعل بودن قوه قضائیه در برابر برخی جریان‌های زورمدار سیاسی که اراده فراقانونی خود را بالای سر فرشته عدالت بر افراشته‌اند، به مردم مظلوم ایران گزارش دهید. آیا این درست است که بازوهای پلیسی و قضایی و

نظامی هیئت مؤتلفه اسلامی از ابتدا مبتکر و مجری این پرونده سازی بوده است؟
۲- همچنین توجه مجلس شورای اسلامی را به وضعیت غیر قانونی سیامک پورزند در بازداشتگاه جلب می نماید:

آنچه مسلم است بر پایه عرف و اصول حقوقی و ضوابط عقلی، وقتی متهمی به حکم قطعی محکوم می شود، او را به یک زندان عمومی منتقل می کنند تا با استفاده از امکانات در شرایط عمومی، مدت محکومیت خود را سپری نماید. در باره سیامک پورزند این اصل نیز زیر پا گذاشته شده است. پس از مدت ۸ ماه اقامت در بازداشتگاه های بی نام و نشان "ناجا"، گویی سیامک پورزند هنوز باید در سن ۷۲ سالگی در بدترین وضعیت نگهداری بشود. هنوز او در اختیار مأمورین "ناجا" و بازجویان آنها قرار دارد که از ابتدا ابتکار عمل را در انحصار خود داشته اند. هنوز دوماه یکبار با التماس و درخواست به خواهرش اجازه می دهند برود و او را برای چند دقیقه تحت نظر مأمورین "ناجا" ملاقات کند، همه حقوق قانونی این متهم یا محکوم یا اسیر و گروگان بستگی پیدا کرده است به سلیقه جناحی و کرم آقایان مأمورین "ناجا". یعنی همان کسانی که مجموعه پرونده سیامک پورزند را از ابتدا ساخته اند و چنین مبهم و پیچیده تبدیل به یک معمای سیاسی کرده اند. متأسفانه وکیل تعیینی دادگاه هربار در پاسخ به خویشاوندان برتمام قانون شکنی ها عمداً یا سهواً سرپوش می گذارد و مثلاً می گوید:

متهم شخصاً علاقمند است در همان ناکجاآباد "ناجا" باقی بماند!! و وضع جسمی و روحی اش بسیار عالی است!!

چنانچه اظهارات وکیل مدافع را باورکنیم نتیجه می گیریم:

درایران وضعیت حقوق بشر چندان اعتلا یافته است که زندانی می تواند حتی زندان خود را شخصاً انتخاب کند!!

البته فوراً باید اضافه کنیم:

این در شرایطی است که نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضاء کمیسیون اصل ۹۰ و اعضاء کمیسیون حقوق بشر اسلامی طی ۸ ماه که از مفقود شدن سیامک پورزند می گذرد، هنوز اجازه لازم را کسب نکرده اند تا برای اجرای وظایف نظارتی خود، ناظر به بازداشگاه اعزام دارند!!

۳- سیامک پورزند تحت شرایطی که به آن فقط اشاره شد در وضعیت بسیار نامناسب جسمی و روحی به سر می برد. با این حال بیرحمانه تحت فشار بوده و هست تا در فیلم های تلویزیونی مورد نظر ربایندگان بازی کند. آنها پاره استخوان های یک اسیر ۷۲ ساله را در کار نمایش های تبلیغاتی و جناحی به کار گرفته اند و با همکاری سیمای جمهوری اسلامی او را به بازیگری در فیلم های ویدیویی (چنانکه افتد و دانی) وادار کرده اند. همچنین شینده ها حاکی است پیچی به بهانه اظهارات او، فعالان مطبوعاتی و فرهنگی را به زیر زمین اداره اماکن احضار می کنند. البته به انگیزه "درس عبرت" و ایجاد "رعب" و بالا بردن درجه "سرکوب"، سیامک پورزند را در هم شکسته و حیران و پریشان به صحنه این نمایش های امنیتی می کشانند تا فرد احضار شده او را ببیند و باور کند که بر پایه اظهارات وی گرفتار شده است. شیوه های شکنجه که توسط حفاظت اطلاعات "ناجا" ابداع شده و روی پیرمرد ۷۲ ساله ای به آزمایش گذاشته شده به قدر کافی گویای وضعیت اسفناک حقوق بشر در ایران عصر اصلاح گرایی است. لذا حضرتعالی و دیگر نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی را مخاطب قرار می دهد و اعلام می دارد:

تنها نهاد حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی (ناجا) نیست که باید روزی و روزگاری پاسنگوی این درجه از ظلم و قانون شکنی بشود، تنها جریان های سیاسی غالب بر قوه قضائیه نیستند که خون و شرف شکنجه دیدگان دامان شان را می گیرند، بلکه مجموعه مجلس شورای اسلامی ناگزیر است بر پایه تکالیفی که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی به عهده دارد، درباره چگونگی ایفای

وظایف نظارتی خود نسبت به این پرونده و نظایر آن گزارش بدهد.

 مهرانگیز کار

وکیل پایه یک دادگستری جمهوری اسلامی ایران